

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۴ جون ۲۰۲۰

به زانو افتادن "ترمپ" به مانند "گوربچف"!

سه شنبه- ۰۳ سرطان ۱۳۹۹ - کابل:

۱- "تقریباً شش سال است که ما در افغانستان مشغول جنگ هستیم. اگر ما خط مشی خود را تغییر ندهیم ۲۰ یا ۳۰ سال دیگر نیز باید مشغول جنگ باشیم. آیا با در نظر داشت این که نظامی‌گری ما نمی‌تواند وضعیت را تغییر دهد، باز هم می‌خواهیم همیشه بجنگیم؟"

۲- "حضور ما در افغانستان نمایش وحشت است. باید بیرون شویم. یک انسان احمق به نام جورج بوش این کار را کرده است."

جملاتی که در بالا از نظر تان گذشت، هرچند فاصله زمانی بین آنها بیش از سال است و فاصله مکانی و محل تذکر بین آنها به بیش از ۱۲ هزار کیلومتر می‌رسد، مگر عین محتوا را می‌رساند.

جملات و حکم اولی، توسط "گوربچف" رهبر و همه کاره شوروی متوفا در جلسه رسمی دفتر سیاسی "حزب کمونیست بلشویک شوروی" به تاریخ سیزدهم نومبر ۱۹۸۶ گفته شده است.

جملات و حکم دومی به استناد نوشته "بولتون" مشاور امنیت ملی "ترمپ"، در درون کاخ سفید و در یک جلسه رسمی وزرای کابینه و نیروهای امنیتی امپریالیسم امریکا از زبان "ترمپ" رئیس جمهور امریکا بیرون شده است.

بدر نظر داشت این که هم صحبت های گوربچف ماقبل و مابعد داشته است و هم صحبت های "ترمپ" که با تأسف نمی‌توانیم بدانها دسترسی داشته باشیم، بحث مان را صرف به محتوای همین دو حکم محدود می‌سازیم.

۱- خلاف نظرات صریح و بی‌پرده "ترمپ" که آغاز کننده حمله و تجاوز بر افغانستان را "احمق" می‌داند و در نتیجه جنگی را که آغاز نموده، وحشیانه و احمقانه تلقی می‌نماید، در این قسمت از گفته های گوربچف آن انتقاداتی را که گویا بر برژینف و بقیه رهبران وقت شوروی حین تجاوز بر افغانستان داشته است، نمی‌یابیم؛

۲- آنچه به مثابه قاسم مشترک هر دو حکم و محور سیاست های دو ابر قدرت قرار می‌گیرد، عجز و ناتوانی آنها در سرکوب خلق افغانستان، یعنی وقتی آنها از خروج نیروهای شان نام می‌برند، به هیچ وجه برای آنها این مسأله اهمیت ندارد که در جریان تجاوزات شان چه تعداد انسان بی‌گناه به قتل می‌رسد، به چه تعداد ده و قریه ویران می‌گردد، به چه میزان خسارات مادی و معنوی بر کشور کوچکی مانند افغانستان تحمیل می‌گردد و چگونه کشور جنگ زده و

شدیداً متأثر از جنایات آنها خواهد گردید، تا خود را مجدداً بسازد، بلکه تمام هم و غم آنها را شکست های مقتضحانه نظامی می سازد که در مقابل خیزش های پرخروش و زنجیر گسل خلق ما متحمل شده اند.

آنها از این هراس ندارند که افغانستان ویران و مردمش نابود می گردد، آنها از این هراس دارند که با زور و نیروی نظامی نمی توانند اراده آزادیخواهانه مردم ما را بشکنند، از این هراس دارند که سالها و دهه ها پای شان در باتلاق خون خود به وجود آورنده افغانستان بند خواهد ماند.

۳- علی رغم این که هر دو ابرقدرت متجاوز و خونخوار بدین نتیجه رسیده اند که نه تنها جنگ آنها وحشیانه و بی نتیجه است، قابل تأسف و بازخواست شدید زمانی مطرح می گردد که می بینیم تا هنوز که هنوز است، نوکران، مزدوران و جواسیس هر دو نیروی متجاوز و جنایتکار، بر همان طبل قبلی قدسیت اعمال استعماری نواخته، حاضر نیستند بپذیرند که باداران آنها بر افغانستان تجاوز کرده اند، جنایت کرده اند، ویرانگری و دهشت آفریده اند.

اینها به واقعیت کلام همان "کاسه های داغتر از آتش" و "شاهدانی" را مانند اند که علی رغم گذشتن و انصراف "صاحب دعوا" حاضر نیستند از شاهی خود بگذرند. به عبارت دیگر استعمار چنان روح و روان و وجدان آن ها مضمحل و نابود نموده است، که حاضر نیستند بپذیرند باداران آنها جنایتکار و خود خاین اند. طیفی که دیروز خود را در کلیت باند های خلق و پرچم نمایان می ساخت و امروز در طیف وسیعی از جواسیس تکنوکرات، داعیان اسلام سیاسی و رهروان تأنید و تکریم تجاوز امپریالیستی از طیف های به اصطلاح ملی گرا ها و چپ نما ها.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده است!

سرکها ما را می طلبد!